

## کتاب دانیال - شماره صد و چهل و هفت

نقش جنبش‌های مذهبی در شکل‌دهی به سیاست آمریکا: از پت رابرتسون تا ائتلاف مسیحی

Jeff Pippenger

2024-03-20

ما مقاله قبلی را با پاراگراف زیر به پایان رساندیم:

قدرت معجزه‌گر که از طریق احضار ارواح آشکار می‌شود، نفوذ خود را بر ضد کسانی اعمال خواهد کرد که اطاعت از خدا را بر اطاعت از انسان ترجیح می‌دهند. پیام‌هایی از جانب ارواح اعلام خواهند کرد که خدا آنان را فرستاده تا کسانی را که حرمت یکشنبه را نمی‌پذیرند متقاعد کنند که در خطا هستند و تأکید خواهند نمود که قوانین کشور باید همچون قانون خدا اطاعت شوند. آنان از شرارت عظیم در جهان اظهار تأسف خواهند کرد و گواهی آموزگاران دینی را مبنی بر اینکه انحطاط اخلاق ناشی از نقض حرمت یکشنبه است، تأیید خواهند نمود. خشم شدیدی بر ضد همه کسانی برانگیخته خواهد شد که از پذیرش گواهی آنان سر باز می‌زنند. مناقشه عظیم، 589، 590.

«شهادت آموزگاران دینی مبنی بر اینکه انحطاط وضعیت اخلاقی از بی‌حرمتی به یکشنبه ناشی می‌شود»، نشانه‌ای در تاریخی است که به تحمیل پرستش خورشید در ایالات متحده می‌انجامد. پت رابرتسون، موعظه‌گر تلویزیونی آمریکایی و بنیان‌گذار شبکه پخش مسیحی (CBN) و ائتلاف مسیحی، در انتخابات مقدماتی جمهوری خواهان در سال ۱۹۸۸ برای ریاست‌جمهوری ایالات متحده نامزد شد. کارزار رابرتسون بر بسیج رأی‌دهندگان مسیحی محافظه‌کار و دفاع از مسائل اجتماعی و اخلاقی همسو با باورهای انجیلی‌اش تمرکز داشت. در زمان پایان در سال ۱۹۸۹، در تاریخ نخستین هشت رئیس‌جمهور نهایی، رهبر و بنیان‌گذار ائتلاف مسیحی برای ریاست‌جمهوری نامزد شد. تاریخ ریاست‌جمهوری ریگان، نمونه‌ای از تاریخ آخرین رئیس‌جمهور جمهوری خواه است.

داوری‌های خداوند به زودی فضایی پدید خواهد آورد که گذرۀ پیشین از کتاب «مناقشه عظیم» را تحقق می‌بخشد و با فعالیت‌های ائتلاف مسیحی همسو است. ائتلاف مسیحی برای رسیدگی به مشکلات اخلاقی و اجتماعی‌ای پدید آمد که خواهر وایت تصریح می‌کند برای کسانی که زمام حکومت را در دست دارند، حل‌ناپذیرند. ائتلاف مسیحی در دوران ریگان نمایانگر جنبشی مشابه در آینده‌ای بسیار نزدیک است. از نظر نبوتی، نمونه ائتلاف مسیحی در خلال بحران قانون یکشنبه مرتبط با لوایح بلر در دهه‌های ۱۸۸۰ و ۱۸۹۰، «جنبش اصلاح ملی» بود. جنبش اصلاح ملی در سال ۱۸۸۸ شکل گرفت و خواهر وایت به‌طور مشخص در نوشته‌هایش به آن جنبش پرداخت.

یک بحران بزرگ در انتظار قوم خداست. بحرانی در انتظار جهان است. مهم‌ترین نبرد تمام اعصار درست پیش روی ماست. رویدادهایی که بیش از چهل سال به استناد کلام نبوی وقوع قریب‌الوقوعشان را اعلام کرده‌ایم، اکنون پیش چشم ما در حال رخ دادن‌اند. هم‌اکنون موضوع اصلاحیه‌ای بر قانون اساسی که آزادی وجدان را محدود کند، به اصرار نزد قانون‌گذاران کشور مطرح شده است. مسئله اجبار به رعایت روز یکشنبه به یکی از مسائل مورد توجه و اهمیت ملی تبدیل شده است. ما به‌خوبی می‌دانیم نتیجه این حرکت چه خواهد بود. اما آیا برای این رویارویی آماده‌ایم؟ آیا با وفاداری، وظیفه‌ای را که خدا بر عهده ما نهاده است، یعنی هشدار دادن به مردم درباره خطری که پیش روی آنان است، انجام داده‌ایم؟

بسیاری هستند، حتی از میان کسانی که در این جنبش تحمیل رعایت یکشنبه مشارکت دارند، که از پیامدهایی که از این اقدام ناشی خواهد شد کور مانده‌اند. آنان نمی‌بینند که مستقیماً به آزادی دینی ضربه می‌زنند. بسیاری هرگز ادعاهای سبت کتاب مقدس و بنیاد باطنی را که نهاد یکشنبه بر آن استوار است درنیافته‌اند. هر حرکت به سود قانون‌گذاری دینی در حقیقت امتیاز دادن به پاپی‌گری است؛ همان که در طی قرن‌های بسیار پیوسته با آزادی وجدان جنگیده است. رعایت یکشنبه، موجودیت خود را به‌عنوان نهادی به‌اصطلاح مسیحی، مدیون «راز شرارت» است؛ و تحمیل آن در حکم به‌رسمیت شناختن عملی اصولی خواهد بود که خود سنگ بنای کاتولیسیسم رومی‌اند. هنگامی که ملت ما آن‌چنان از اصول حکومت خود دست بکشد که قانونی برای یکشنبه وضع کند، پروتستانیسم در این اقدام دست در دست پاپی‌گری خواهد گذاشت؛ و این چیزی جز جان بخشیدن به آن استبدادی نخواهد بود که مدت‌ها با اشتیاق در کمین فرصت بوده تا بار دیگر فعالانه به خودکامگی برخیزد.

جنبش اصلاح ملی، با به‌کارگیری قدرت قانون‌گذاری دینی، هنگامی که به‌طور کامل شکل گیرد، همان ناپردباری و ستمی را بروز خواهد داد که در قرون گذشته حکم‌فرما بوده است. شوراهای انسانی آن‌گاه اختیارات الوهی را برای خود قائل شدند و آزادی وجدان را زیر قدرت استبدادی خود درهم کوبیدند؛ و زندان، تبعید و مرگ نصیب کسانی شد که با فرامینشان مخالفت ورزیدند. اگر پاپی‌گری یا اصول آن بار دیگر از راه قانون به قدرت برسد، آتش‌های آزار و تعقیب دوباره بر ضد کسانی برافروخته خواهد شد که وجدان و حقیقت را برای تمکین به خطاهای رایج قربانی نمی‌کنند. این شر در شرف تحقق است.

وقتی خدا نوری به ما داده که خطرات پیش رویمان را نشان می‌دهد، اگر در به‌کار گرفتن هر تلاشی که در توان داریم برای عرضه آن به مردم کوتاهی کنیم، چگونه می‌توانیم در نظر او بی‌تقصیر باشیم؟ آیا می‌توانیم راضی شویم که آنان را بی‌هشدار واگذاریم تا با این امر خطیر روبه‌رو شوند؟

چشم‌انداز ادامه مبارزه‌ای پیش روی ماست، با خطر زندانی شدن، از دست دادن دارایی، و حتی جان خود، برای دفاع از قانون خدا، که به‌وسیله قوانین بشر باطل شده است. در این وضعیت، سیاست دنیوی برای حفظ صلح و هماهنگی به تبعیت ظاهری از قوانین کشور وادار خواهد کرد. و برخی حتی با استناد به کتاب مقدس چنین رویکردی را توصیه خواهند کرد: «هر کس باید مطیع قدرت‌های برتر باشد... قدرت‌های موجود از جانب خدا مقرر شده‌اند.»

"اما سیره بندگان خدا در اعصار گذشته چه بوده است؟ زمانی که شاگردان، پس از رستاخیز او، مسیح و او مصلوب را موعظه می‌کردند، مقامات به آنان فرمان دادند که دیگر سخن نگویند و به نام عیسی تعلیم ندهند. «اما پطرس و یوحنا در پاسخ به ایشان گفتند: آیا رواست در نظر خدا که از شما بیش از خدا اطاعت کنیم؟ خود دآوری کنید. زیرا ما نمی‌توانیم جز آنچه دیده و شنیده‌ایم بگوییم.» آنان به موعظه بشارت نجات از طریق مسیح ادامه دادند و قدرت خدا بر این پیام گواهی می‌داد." شهادت، جلد ۵، ۷۱۱-۷۱۳.

داوری‌های خدا در آستانه پدید آوردن فضایی در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و دینی ایالات متحده هستند؛ فضایی که زمینه منطقی لازم را فراهم می‌کند تا رهبران دینی خواستار احیای اخلاق عمومی شوند، همان‌گونه که در دهه ۱۸۸۰ و ۱۸۹۰ نمونه‌اش دیده شد و سپس بار دیگر در دوران رئیس‌جمهوری که در سال ۱۹۸۹ زمان پایان را نشان داد. «یک بحران بزرگ در انتظار قوم خداست. بحرانی در انتظار جهان است.» خواهر وایت دو پرسش مطرح می‌کند: «هنگامی که خدا نوری به ما داده است که خطرات پیش رو را نشان می‌دهد، اگر از به‌کار بستن هر تلاشی که در توان داریم برای طرح آن در برابر مردم غفلت کنیم، چگونه می‌توانیم در نظر او بی‌تقصیر باشیم؟ آیا می‌توانیم راضی باشیم که آنان را بی‌هشدار رها کنیم تا با این مسئله خطیر روبه‌رو شوند؟»

چه نوری بوده که خطرات پیش روی ما را نشان داده است، و اگر هیچ نوری نبوده، چگونه خدای مهربان می‌تواند قوم خود را به خاطر ارائه نکردن پیام هشدار مسئول بداند، اگر آنان هرگز آن پیام هشدار را نشنیده بودند؟ خواننده عزیز، تو در برابر نوری که این مقالات نمایانگر آن هستند پاسخگو خواهی بود.

توصیف‌های دقیق ویژگی‌های قدرت اژدهای دموکرات، قدرت پیامبر کاذب جمهوری‌خواه، قدرت پاپی، اسلام و کلیسای ادونتیست لاودیکیه، همچنین اسرائیل جسمانی در این مقالات، از سوی قدرت‌های حاکم به عنوان نفرت‌پراکنی تلقی خواهد شد، اما آن‌ها پیامی از کلام خدا هستند که با روش «خط بر خط» تثبیت شده است، و همان خطوط فریاد برمی‌آورند که داورهای خدا در شرف افزایش یافتن و رخ دادن با تواتر بیشتر هستند.

از منظر نبوی، ائتلاف مسیحی که در مقطع زمانی درست پیش از وقت انتها در سال ۱۹۸۹ شکل گرفت، دارای کاربردی فراتر از صرف موازات با دهه‌های ۱۸۸۰ و ۱۸۹۰ است. در بخشی که همین‌اکنون از خواهر وایت نقل کردیم، او روح‌گرایی را به‌عنوان یکی از دو طریقی که شیطان به‌واسطه آن‌ها جهان را به اسارت درمی‌آورد معرفی می‌کند، و سپس چند کلام را به معجزاتی که شیطان انجام خواهد داد اختصاص می‌دهد.

پس از انتخابات سال ۱۹۸۸، یعنی پس از پیدایش ائتلاف مسیحی، تجلی بس عظیمی از معجزات شیطانی در قلمرو اژدها، قلمرو وحش و قلمرو نبی کاذب پدیدار شد. ضروری است این پدیده‌ها به‌درستی هم‌تراز شوند، زیرا آنها نمایانگر فرارسیدن شیطان‌اند که در هیئت مسیح ظاهر خواهد شد، پس از تصویب قانون یکشنبه نزدیک‌الوقوع در ایالات متحده.

در حوزه کاتولیسیسم، در دهه ۱۹۹۰، جهان نظاره‌گر ظهورات به‌اصطلاح «مریم باکره» بود؛ همراه با معجزاتی چون خون جاری شدن از تندیس‌های قدیسان، ظهورهایی در آسمان، بارش گلبرگ‌های گل از آسمان بی‌ابر، و دیگر معجزات پوچ شیطانی. در آن زمان، زیارت‌های هزاران نفره در سراسر جهان توسط توده‌ها انجام می‌شد و مردم به توهمات که این رویدادها پدید آورده بود کشانده می‌شدند. درباره آن‌ها کتاب نوشته شد، روزنامه‌نگاران تحقیق کردند، و مجلاتی چون تایم و نیوزویک این امور را بر جلد خود به تصویر کشیدند.

در قلمرو اژدها، مجسمه‌های هندو در هند با نوشیدن قاشق‌ها یا لیوان‌هایی حاوی نذورات نوشیدنی که بر دهانشان نهاده می‌شد، معجزاتی شیطانی را آشکار ساختند. پدیده‌ای که در دهکده‌ای کوچک در هند آغاز شده بود، همچون قورباغه‌های مصر، به سراسر کشور سرایت کرد. خبر تلویزیونی بی‌بی‌سی گزارشی تفسیری درباره این پدیده پخش کرد و در پایان، گزارشگر بی‌بی‌سی بر صفحه تلویزیون این پرسش را مطرح ساخت: «نمی‌دانم اگر فردا به موزه لندن برویم و به یکی از مجسمه‌های هندو یک لیوان شیر تقدیم کنیم، چه رخ خواهد داد؟» خبر شامگاهی روز بعد همان گزارشگر را در موزه لندن نشان داد و او، در حالی که دوربین‌ها در حال ضبط بودند، به مجسمه بزرگ هندو یک لیوان شیر تقدیم کرد. به محض آن‌که لیوان لبان مجسمه را لمس کرد، شیر فوراً به درون مجسمه مکیده شد.

در چارچوب معنویت پیشگویی‌های بومیان آمریکا، بوفالوی سفید مشهور به "Miracle" در ۲۰ اوت ۱۹۹۴ در مزرعه دیو و والری هایدن نزدیک جینزویل، ویسکانسین، به دنیا آمد. Miracle با پوشش مویی سفید به دنیا آمد و تولدش از نظر برخی برآورده شدن یکی از پیشگویی‌های بومیان آمریکا تلقی شد. در سنت‌های گوناگون بومیان آمریکا، تولد یک بوفالوی سفید رویدادی مقدس و مهم به شمار می‌آید که نماد یگانگی، صلح و نوزایی معنوی است. Miracle توجه گسترده‌ای برانگیخت و برای بسیاری به نمادی از امید و اهمیت معنوی بدل شد. پیشگویی بوفالوی سفید رد آن به گذشته بازمی‌گردد و مستقیماً با مقدس‌ترین یادگار دین معنویت‌گرای بومیان آمریکا پیوند دارد، زیرا در داستان آغازین

بوفالوی سفید بود که "pipe" pipe وارد فرهنگ شد.

در سال ۱۹۹۴، در قلمرو نبی کاذب پروتستانیسم مرتد، جنبش «خنده مقدس» که به «برکت تورنتو» نیز شناخته می‌شود، در ژانویه ۱۹۹۴ در کلیسای واین‌یارد فرودگاه تورنتو (که اکنون با نام «کچ د فایر تورنتو» شناخته می‌شود) در تورنتو، انتاریو، کانادا آغاز شد. در جریان سلسله‌ای از جلسات احیا که به رهبری شبانان جان و کارول آرنات برگزار می‌شد، پدیده خنده غیرقابل کنترل، به همراه نمودهای دیگری همچون لرزیدن، گریستن و بر زمین افتادن، یا تقلید حیوانات و صداهای حیوانات (که غالباً از آن با عنوان «به دست روح بر زمین افتادن» یا «مست در خداوند بودن» یاد می‌شود)، در میان حاضران جماعت پدیدار شد.

شرکت کنندگان، خنده و دیگر تجلیات را به حضور و عمل روح القدس نسبت می‌دادند، و از این رو اصطلاح «خنده مقدس» برای توصیف این پدیده به کار رفت. اجتماعات احیا در کلیسای وین‌یارد فرودگاه تورنتو، توجه و بازدیدکنندگانی از سراسر جهان را به خود جلب کرد و به گسترش این جنبش به کلیساها و جوامع دیگر انجامید. مردم از اقصی نقاط جهان می‌آمدند تا آن خنده را تجربه کنند، و چون به کلیساهای محلی خود بازمی‌گشتند، آن کلیساها غالباً آغاز به بروز همان تجلیات شیطانی می‌کردند.

پت رابرتسون شبکه پخش مسیحی (CBN) را در سال ۱۹۶۰ تأسیس کرد. CBN یکی از نخستین شبکه‌های تلویزیونی اختصاص یافته به برنامه‌های مسیحی بود و در رشد صنعت پخش مسیحی در ایالات متحده نقش مهمی ایفا کرد. در طول سال‌ها، CBN از طریق تلویزیون، رادیو و رسانه‌های دیجیتال دامنه دسترسی و نفوذ خود را گسترش داده و به یکی از بزرگ‌ترین سازمان‌های رسانه‌ای مسیحی در جهان تبدیل شده است.

در سال ۱۹۸۸، او ائتلاف مسیحی را بنیان‌گذاری کرد و برای ریاست جمهوری ایالات متحده نامزد شد. باورهای او ریشه در جنبش اصلاح ملی و اتحادیه روز خداوند دارند. هر دوی آن سازمان‌ها در سال ۱۸۸۸ آغاز به کار کردند و از اصلاحات اجتماعی گوناگونی بر پایه اصول مسیحی حمایت می‌کردند، از جمله ممنوعیت الکل، حق رأی زنان، و رعایت سبت (یکشنبه) به عنوان روز استراحت و پرستش. این جنبش از پروتستانیسم انجیلی تأثیر پذیرفت و در پی ایجاد یک «ملت مسیحی» هدایت شده بر اساس اصول کتاب مقدس بود. رابرتسون همان اصولی را نمایندگی می‌کرد که هم جنبش اصلاح ملی و هم اتحادیه روز خداوند نمایندگی می‌کردند. به همین دلیل، او همچنین دانشگاه ریچنت را بنیان‌گذاری کرد.

پت رابرتسون در سال ۱۹۷۷، همسو با آموزه کاتولیکی که ویلیام میلر چنان جسورانه با آن مخالفت کرده بود، دانشگاه رجنت را تأسیس کرد. کاتولیسیسم و پروتستانیسم مرتد از روش‌شناسی شیطانی مبتنی بر کتاب مقدس استفاده می‌کنند که، در کنار دیگر میوه‌های نامقدسش، این باور را پدید می‌آورد که پیش از بازگشت واقعی عیسی، هزار سال صلح برقرار خواهد شد. رابرتسون معتقد است دانشگاهش مردان و زنانی را تربیت می‌کند تا کسانی باشند که حکومت هزارساله مسیح را در دوران هزاره کتاب مقدسی اداره خواهند کرد. واژه «regent» به معنای کسی است که در نبود حاکم یا پادشاه، و وقتی او خارج از کشور است، به نمایندگی یا نیابت از او عمل می‌کند.

پیش از «زمان پایان» در سال ۱۹۸۹، که دست‌کم از ۱۹۶۰ آغاز می‌شود، همتایان معاصر سازمان‌هایی که در ۱۸۸۸ برای قانون‌گذاری یکشنبه فشار می‌آوردند، وارد صحنه تاریخ شدند. پس از ۱۹۸۹، تجلیات شیطانی هر سه عنصر حوزه دینی اژدها، وحش و نبی کاذب را به لرزه درآورد. عیسی همواره پایان چیزی را با آغاز آن همسان می‌داند، و سال ۱۹۸۹، یعنی «زمان پایان» در آیه چهل و نهم فصل یازدهم دانیال، آغازگر دوره‌ای نبوی است که در قانون قریب‌الوقوع یکشنبه آیه چهل و یکم به پایان می‌رسد. هنگامی که آن قانون یکشنبه فرا می‌رسد، شیطان در هیئت مسیح ظاهر می‌شود، و اوج فریبکاری او با

معجزات و شفابخشی‌ها آغاز می‌گردد.

تاریخی که آن دوره نبوتی را آغاز می‌کند، کار یک جنبش پروتستان مرتد را مشخص می‌کند که به قانون یکشنبه منتهی می‌شود؛ نمونه آن در سال ۱۹۸۹، آغاز آن دوره، دیده شد. در ۱۹۸۹، «دیوار» «پرده آهنین» فرو ریخت و در پایان این دوره «دیوار جدایی کلیسا و دولت» فرو می‌ریزد. آغاز این دوره، دو رئیس‌جمهور نخست از میان هشت رئیس‌جمهور نهایی را مشخص می‌کند. آغاز غلبه پاپیت بر دشمنش، یعنی الحاد در اتحاد جماهیر شوروی، و پایان غلبه پاپیت بر دشمنش، یعنی پروتستان‌یسم در ایالات متحده، را نشان می‌دهد. آغاز نخستین آن هشت رئیس‌جمهور (یک جمهوری‌خواه) را که با ضد مسیح نبوت‌های کتاب مقدس هم‌پیمان می‌شود، معرفی می‌کند و پایان آخرین آن هشت رئیس‌جمهور را که با ضد مسیح نبوت‌های کتاب مقدس هم‌پیمان می‌شود، نشان می‌دهد. آن رئیس‌جمهور نخست مسئول فرو ریختن دیوار دانسته می‌شود و آخری کسی است که دیوار را خواهد ساخت.

در سال ۱۹۶۰—تا رسیدن به «زمان پایان» در ۱۹۸۹—جنبش مدرن اصلاح ملی آغاز گردید. پس از انتخابات، معجزات شیطانی آغاز شدند. پیش از قانون یکشنبه، تجلی نهایی اصلاح‌گران ملی بار دیگر سر سیاسی خود را برخواهد افراشت. در هنگام قانون یکشنبه، زمان عمل شگفت‌انگیز شیطان فرا رسیده است. پیش از قانون یکشنبه، بنا بر ضرورت نبوی، باید داوریهایی واقع شود که نه تنها رفاه ملی ایالات متحده آمریکا را از میان بردارند، بلکه آن داوریه‌ها، بنا بر ضرورت نبوی، چنان شدید و هولناک باشند که منطق لازم برقرار گردد تا کسانی در جنبش نهایی اصلاح ملی، یعنی ملی‌گرایان مسیحی، بتوانند علت آن داوریه‌ها را همان شهروندانی معرفی کنند که آنچه را «روز خداوند» می‌نامند، هتک حرمت می‌کنند.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

اگر قوم ما همچنان در همان حالت بسستی و بی‌تفاوتی که تاکنون داشته‌اند بمانند، خدا نمی‌تواند روح خود را بر آنان افاضه کند. آنان آماده همکاری با او نیستند. نسبت به وضعیت هوشیار نیستند و خطر تهدیدکننده را درک نمی‌کنند. اکنون باید، بیش از هر زمان دیگر، نیاز خود را به هوشیاری و اقدام هماهنگ احساس کنند.

کار ویژه فرشته سوم به اهمیتی که دارد شناخته نشده است. خدا می‌خواست که قوم او بسیار جلوتر از جایگاهی باشند که امروز در آن قرار دارند. اما اکنون که زمان اقدام فرا رسیده است، هنوز باید تدارک ببینند. هنگامی که اصلاح‌طلبان ملی به پافشاری بر تدابیری برای محدود کردن آزادی دینی پرداختند، رهبران ما می‌بایست به موقعیت آگاه می‌بودند و با جدیت برای خنثی کردن این تلاش‌ها کار می‌کردند. این در اراده خدا نیست که نور از قوم ما بازداشته شده باشد—همان حقیقت حاضر که برای این زمان نیاز داشتند. این‌گونه نیست که همه خادمان ما که پیام فرشته سوم را اعلام می‌کنند، واقعاً بدانند ماهیت آن پیام چیست. جنبش اصلاح ملی نزد برخی چنان کم‌اهمیت شمرده شده که لازم ندانسته‌اند توجه چندانی به آن بدهند و حتی چنین احساس کرده‌اند که با این کار وقت خود را صرف مسائلی می‌کنند که از پیام فرشته سوم جداست. خداوند برادران ما را ببخشد که پیام مخصوص این زمان را چنین تفسیر کرده‌اند.

مردم باید نسبت به خطرات زمان حاضر بیدار و هوشیار شوند. دیدبانان در خواب‌اند. ما سال‌ها عقب مانده‌ایم. بگذارید دیدبانان ارشد ضرورت فوری مراقبت از خویشتن را احساس کنند، مبادا فرصت‌هایی را که برای دیدن خطرات به آنان داده شده از دست بدهند.

اگر رهبران کنفرانس‌های ما اکنون پیام فرستاده از سوی خدا را نپذیرند و برای اقدام به صف نشوند، کلیساها دچار زیانی بزرگ خواهند شد. چون دیده‌بان آمدن شمشیر را ببیند و شیپور را با

صدایی روشن بنوازد، مردم در سراسر صفوف بانگِ هشدار را بازتاب خواهند داد و همه فرصت خواهند یافت خود را برای نبرد آماده کنند. اما بارها پیش آمده که رهبر با تردید ایستاده، چنان می‌نماید که می‌گوید: «بسیار شتاب نکنیم. ممکن است خطایی در میان باشد. باید مواظب باشیم زنگِ خطر دروغین به صدا درنیآوریم.» همین تردید و دودلی او فریاد می‌زند: «سلامتی و امنیت. هیچ‌ان زده نشوید. هراسان نشوید. درباره این مسئله اصلحیه مذهبی بیش از آنچه لازم است بزرگ‌نمایی شده. این هیاهو به کلی فروکش خواهد کرد.» بدین‌سان او عملاً پیام فرستاده از جانب خدا را انکار می‌کند و هشدار را که قرار بود کلیساها را برانگیزد کار خود را نمی‌کند. شیپور دیده‌بان بانگِ روشنی در نمی‌دهد و مردم برای نبرد آماده نمی‌شوند. دیده‌بان برحذر باشد، مبادا که بر اثر تردید و تأخیر او، جان‌ها به هلاکت سپرده شوند و خونشان از او مطالبه گردد.

سال‌های بسیاری منتظر بوده‌ایم که قانون یکشنبه در سرزمین‌مان به تصویب برسد؛ و اکنون که این جنبش درست در برابر ماست، می‌پرسیم: آیا مردم ما وظیفه خود را در این باره انجام خواهند داد؟ آیا نمی‌توانیم در برافراشتن پرچم و فراخواندن به صف مقدم کسانی که برای حقوق و امتیازات دینی خود ارزش قائل‌اند کمک کنیم؟ زمان به سرعت نزدیک می‌شود که کسانی که اطاعت از خدا را بر اطاعت از انسان برمی‌گزینند، دست ستم را بر خود احساس خواهند کرد. پس آیا آنگاه با سکوت، در حالی که احکام مقدس او لگدمال می‌شوند، به خدا بی‌حرمتی کنیم؟

در حالی که جهان پروتستان با موضع خود به روم امتیاز می‌دهد، بیایید بیدار شویم تا وضعیت را درک کنیم و نبرد پیش رو را در ابعاد واقعی‌اش بنگریم. اکنون بگذارید دیدبانان صدای خود را بلند کنند و پیامی را که حقیقت حاضر برای این زمان است اعلام کنند. بیایید به مردم نشان دهیم که در تاریخ پیشگویی‌ها کجا ایستاده‌ایم و بکشیم روح پروتستان‌تیسیم حقیقی را برانگیزیم و جهان را به درک ارزش امتیازهای آزادی دینی که مدت‌ها از آن برخوردار بوده است آگاه سازیم.

خدا ما را فرامی‌خواند که بیدار شویم، زیرا پایان نزدیک است. هر ساعت درگذر، ساعتی آکنده از تکاپو در بارگاه‌های آسمانی است برای آماده ساختن مردمی بر زمین تا در صحنه‌های عظیمی که به زودی بر ما گشوده خواهند شد، نقشی ایفا کنند. این لحظات گذرا که در نظر ما چندان ارزشی ندارند، سنگین از اهمیت‌های جاودانه‌اند. آن‌ها سرنوشت جان‌ها را برای حیات جاودان یا مرگ ابدی شکل می‌دهند. سخنانی که امروز در گوش مردم بر زبان می‌آوریم، کارهایی که انجام می‌دهیم، و روح پیامی که حامل آنیم، یا بوی حیات برای حیات خواهند بود یا بوی مرگ برای مرگ.

«ای برادران من، آیا آگاهی که نجات خود شما، و نیز سرنوشت نفوس دیگر، بسته است به آمادگی‌ای که اکنون برای آزمونی که پیش روی ماست فراهم می‌کنید؟ آیا آن شدت غیرت، آن پارسایی و اخلاص را دارید که شما را توانا سازد وقتی مخالفتی علیه شما برانگیخته شود بایستید؟ اگر خدا تا کنون به واسطه من سخن گفته است، زمانی فرا خواهد رسید که شما به پیشگاه شوراها آورده خواهید شد و هر موضع حقی که به آن پایبندید به شدت مورد انتقاد قرار خواهد گرفت. زمانی که بسیاری اکنون می‌گذارند تا به هدر رود باید وقف تکلیفی شود که خدا به ما سپرده است: آماده شدن برای بحران پیش رو.» شهادت‌ها، جلد ۵، صفحات ۷۱۴ تا ۷۱۶.